

چیستی و چالش‌های اعجاز علمی قرآن

حجت‌الاسلام دکتر محمد علی رضایی اصفهانی*
دانشیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی ص العالمیه

چکیده

نویسنده در این مقاله تاریخچه پیدایش «نظریه اعجاز علمی قرآن» از حدود یک قرن پیش تاکنون را گزارش و معنای لغوی و اصطلاحی معجزه را بررسی می‌کند و یادآور می‌شود که بر اساس احادیث اسلامی، معجزه هر پیامبر متناسب با پیشرفت‌های علمی عصر خویش بود. در ادامه اقسام معجزات «موقت» و «جاویدان» را بیان می‌کند و توضیح می‌دهد که قلمرو اعجاز قرآن از اطلاق آیات تحدی به دست می‌آید که شامل همه افراد، زمان‌ها و ابعاد اعجاز قرآن می‌شود. سپس وجوه یازده‌گانه اعجاز قرآن (فصاحت و بلاغت، معارف عالی، اعجاز موسیقایی، نبود اختلاف، بیان اسرار خلقت، اخبار غیبی، صرفه و...) را بیان و همه وجوه اعجاز، غیر از صرفه، را می‌پذیرد. آن‌گاه اعجاز علمی قرآن را تعریف می‌کند که عبارت است از «اخبار غیبی و اسرار خلقت که در قرآن آمده و مدت‌ها بعد کشف شده است». در ادامه ضوابط اعجاز علمی قرآن و مبانی آن را توضیح می‌دهد و در پایان مهم‌ترین اشکال‌ها به اعجاز علمی را بررسی می‌کند.

واژه‌های اصلی: قرآن، اعجاز، علم، معجزه علمی.

قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان، معجزه جاویدان پیامبر اسلام ﷺ و دلیل حقایق پیامبر ﷺ و اسلام است و در چهارده قرن گذشته همواره همگان را به مبارزه فراخوانده است تا اگر کسی می‌تواند، همانند سوره‌ای از آن را بیاورد (بقره/ ۲۳)؛ ولی تاکنون کسی نتوانسته است به این مبارزه طلبی پاسخ دهد. اعجاز قرآن ابعاد گوناگونی دارد که اعجاز علمی یکی از آنها است. این گونه از اعجاز در عصر حاضر مورد توجه ویژه قرآن‌پژوهان و متخصصان علوم طبیعی و انسانی قرار گرفته است (ر.ک. به: رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱ و ۲؛ دکتر مصطفی رجب، اعجاز التربوی للقرآن و...). با این همه هنوز پرسش‌ها و شبهاتی در مورد تعریف و چیستی آن مطرح است که باید مورد دقت و توجه قرار گیرد. این نوشتار به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد و دیدگاه‌های مختلف را بررسی می‌کند.

تاریخچه

اعجاز علمی از موضوعات نوپدید در حوزه اعجاز قرآن و یکی از زیر مجموعه‌های «علوم قرآن» است. هر چند در مورد اعجاز قرآن کتاب‌های زیادی در طول چهارده قرن گذشته نوشته شده است (ر.ک. به: دکتر محمد علی رضایی کرمانی، کتاب‌شناسی اعجاز قرآن)؛ اما اعجاز علمی قرآن عمری کوتاه دارد؛ یعنی از حدود یک قرن پیش محمد بن احمد اسکندرانی (۱۳۰۶ق) در تفسیر «کشف الاسرار النورانیة القرآنیة فیما يتعلق بالاجرام السماویة والارضیة والحيوانات والنباتات والجواهر المعدنیة» از آن سخن گفت. این اقدام از سوی رشیدرضا در المنار (ج ۱، ص ۲۱۳-۲۱۰) و طنطاوی در جواهرالقرآن که رویکردی بی‌سابقه به کشفیات علوم تجربی در زمینه‌های مختلف و تطبیق آن‌ها بر قرآن کریم داشتند، ادامه یافت و در دهه‌های اخیر، نظریه «نظم ریاضی قرآن» و «اعجاز عددی» نیز، از سوی رشاد خلیفه (پژوهشگر مصری با دکترای بیوشیمی) به عنوان یکی از زیرشاخه‌های اعجاز علمی به دایره وجوه اعجاز قرآن افزوده شد.

این موضوع در همین مدت کوتاه مورد توجه قرآن‌پژوهان و متخصصان علوم مختلف قرار گرفت و کتاب‌ها و مقالات زیادی در مورد اعجاز علمی به نگارش در آمد؛ حتی پایگاه‌های متعددی در اینترنت به این مبحث اختصاص یافت [۱] و مجلات علمی از جمله: «فصلنامه الاعجاز العلمي فی القرآن والسنة»، از رابطه العالم الاسلامی در این باب منتشر شد که تاکنون بیش از سی شماره آن منتشر و شاخه‌های متعددی از اعجاز علمی هم‌چون: طب، نجوم، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، ریاضی، اقتصاد، تربیت، اجتماعی و... مطرح شده و کتاب‌ها و مقالات تخصصی نیز در این موارد نگارش یافته است که ما به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.

• الاعجاز التربوی للقرآن، دکتر مصطفی رجب.

• موسوعة الاعجاز العلمي فی القرآن الکریم والسنة المطهره، یوسف الحاج احمد.

• الموسوعة العلمية فی اعجاز القرآن الکریم والسنة النبویه، الشیخ امجد فتحی و دکتر هانی بن مرعی القلینی.

• موسوعة الذهبیه فی اعجاز القرآن الکریم والسنة النبویه، دکتر احمد مصطفی متولی.

• من الاعجاز العلمي فی القرآن الکریم، دکتر حسن ابوالعینین.

مفهوم‌شناسی اعجاز

قرآن کریم برای بیان امور خارق عادت و معجزه پیامبران علیهم‌السلام از واژه «معجزه» و «اعجاز» استفاده نکرده است؛ بلکه واژه‌های «آیه» (مثل: انبیاء/۵؛ آل عمران/۴۹؛ اعراف/۷۳)، «بینه» (مثل: اعراف/۷۳؛ ابراهیم/۹)، «برهان» (مثل: قصص/۳۲؛ نساء/۱۷۴)، و «سلطان» (مثل: ابراهیم/۱۱) را به کار برده است.

الف) معنای لغوی معجزه

این واژه از ریشه «عجز» است. و لغوی‌ها معانی و کاربردهای متعددی برای آن شمرده‌اند:

۱. برخی ریشه این لغت را به معنای «تأخر از چیزی» می‌دانند و از این رو در مورد آخر و پشت هر چیزی به کار می‌رود (راغب اصفهانی، مفردات؛ ابن فارس، مقایس اللغة، این معنا را در یکی از دو معنای اصلی بیان می‌کند).

۲. گروهی از لغوی‌ها اصل این لغت را به معنای «ضعف» می‌دانند (راغب، همان، این را به معنای ثانوی لغت عجز می‌داند؛ ولی مقایسه آن را یکی از دو معنای اصلی می‌داند). لغت «عاجز» از همین معناست و به زنان کهن سال نیز «عجوز» گویند.

۳. برخی لغوی‌ها آن را به معنای فوت چیزی (از دست رفتن) می‌دانند (فیومی، مصباح‌اللغة واقرب‌الموارد، ج ۲، ماده عجز). این معنا هنگامی است که در مورد اشیاء به کار رود؛ اعجزه شیء.

۴. برخی عجز را به معنای «یافتن ضعف در دیگری» دانسته‌اند (همو). این معنا هنگامی است که در باب افعال به کار رود؛ أعجزت زیداً.

۵. تعدادی از اهل لغت آن را به معنای «ایجاد ضعف در دیگری» دانسته‌اند (همو). این معنا هنگامی است که در باب تفعیل به کار رود، مانند عَجَزْتَه تعجیزاً. نتیجه: به نظر می‌رسد ریشه اصلی لغت «عجز» همان «ضعف» مقابل «قدرت» است. این ضعف مراتبی دارد و به همین لحاظ به زنان کهن سال عجزوز گویند؛ چون ضعیف شده و طراوت، تحرک و زایش خود را از دست داده‌اند. به مؤخر و پشت انسان نیز «عَجَز» می‌گویند؛ چون پست و ضعیف است و اعجاز ایجاد یا یافتن عجز در دیگران است.

لغت «معجزه» در قرآن کریم به معنای اصطلاحی (عمل خارق‌العاده که گواه نبوت باشد) یافت نشد؛ اما در موارد متعددی به شکل‌های گوناگون به کار رفته است، مانند:

- «عجوز» (هود/۷۲؛ صافات/۱۳۵): مقصود ضعف و عجز در تولید فرزند است.
- «أعجزت» (مائده/ ۳۱): ضعف و نفی اقتدار مورد نظر است.
- «معاجزین» (سبأ/ ۳۸): استمرار حالت عجز است.
- «معجزی‌الله» (توبه/ ۲): مقصود این است که خدا ضعیف نمی‌شود.
- «معجزین» (انعام/ ۱۳۴ - فصلت/ ۳۱ - نور/ ۵۷ - عنکبوت/ ۲۲)
- «لیعجزه» (فاطر/ ۴۴): مقصود ایجاد عجز است.
- «أعجاز» (قمر/ ۲۰ - حاقه/ ۷): ریشه‌های درخت خرما مورد نظر است که بعد از کنده شدن از زمین، حالت محرومیت از مواد غذایی دارد.

در اینجا دو نکته ضروری است:

اول - «اعجاز» به هر صورت که باشد، ملازم با تأثیر، تسلط، تفوق و حکومت است (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۳۹).
دوم - لغت «معجزه» در روایات اهل بیت علیهم السلام به معنای اصطلاحی به کار رفته است، لذا معلوم می‌شود که این لغت از زمان ائمه علیهم السلام کاربرد داشته و به جای «آیه» به کار می‌رفته است. برای مثال به این روایت توجه کنید.

عن الصادق علیه السلام: «المعجزة علامة لله لا يعطيها الا انبيائه ورسله وحججه ليعرف به صدق الصادق من كذب الكاذب» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۷۱؛ میزان الحکمة، ج ۶، ص ۶۶)؛ «معجزه علامتی برای خداست که به غیر انبیایش و رسولانش و حجت‌های خویش عطا نمی‌کند تا با آن راست‌گویی راست‌گو از دروغ‌گویی دروغ‌گو شناخته شود».

ب) معنای اصطلاحی معجزه

بحث معجزه دست‌کم در چهار علم (تفسیر، علوم قرآن، اصول و کلام) مطرح شده است. به برخی از قدماء نسبت داده‌اند که آن را بخشی از علم اصول می‌دانستند (مثل: شیخ طوسی و طبرسی) (طوسی، تفسیر تبیان، ج ۱، ص ۳؛ شیخ طوسی، زندگی‌نامه، ص ۱۱۰؛ طباطبایی رحمته الله علیه، اعجاز قرآن، مقدمه علیرضا میرزامحمد، ص ۹). شاید مقصود آنان همان علم اصول اعتقادات، یعنی کلام باشد؛ نه اصول الفقه. برخی دیگر آن را در علم کلام (عقاید) مطرح می‌کنند (مثل: خواجه طوسی و علامه حلی در تجرید الاعتقاد، صاحب نثر طوبی و ملا فتح الله کاشانی) (کاشانی، منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۴؛ نثر طوبی، ج ۲، ص ۱۱۹).

بعضی مفسران هم آن را در لابه‌لای تفسیر قرآن و به مناسبت معجزه‌های انبیاء مطرح کرده‌اند (مثل: علامه طباطبایی در المیزان و آیت الله طیب در اطیب البیان و...) (طیب، اطیب البیان، ج ۱، ص ۴۰ - ۵۹؛ طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۷۳ به بعد). گروهی دیگر آن را در علوم قرآن مطرح کرده‌اند (مثل: سیوطی در الاتقان و آیت‌الله معرفت در التمهید) (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴؛ سیوطی، الاتقان، ج ۳، ص ۳).

ما در این نوشتار بر آن نیستیم که جایگاه حقیقی بحث را مطرح کنیم؛ اما شاید دلیل طرح بحث اعجاز در علوم مختلف، ابعاد گوناگون این بحث باشد؛ به گونه‌ای که هر گروهی از زاویه‌ای خاص به آن نظر کرده‌اند. از آن‌جا که این بحث در علوم مختلف طرح شده، تعریف‌های متفاوتی نیز از آن ارائه شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. **خواجه طوسی** رحمته الله

«راه شناخت راستگویی پیامبر این است که به دست او معجزه‌ای ظاهر شود و آن عبارت است از ثبوت چیزی که معتاد نباشد و یا نفی چیزی که معتاد باشد؛ در صورتی که خرق عادت بوده و مطابق ادعا واقع شود» (خواجه طوسی و علامه حلی رحمتهما الله، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۰).

علامه حلی در شرح این کلام چند شرط زیر را مقرر می‌کند.
الف - امت شخص معجزه‌گر، از آوردن مثل آن عاجز باشند.
ب - معجزه از طرف خدا یا با امر او باشد.
ج - معجزه در زمان تکلیف باشد.
د - معجزه بعد از ادعای نبوت ظاهر شود و در زمان معجزه‌گر، مدعی نبوت دیگری نباشد (خواجه طوسی و علامه حلی رحمتهما الله، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۰).
و - آن عمل خارق عادت باشد.

۲. **سیوطی**

«امر خارق عادت‌ی که همراه با تحدی و سالم از معارضه باشد» (سیوطی، همان، ج ۳، ص ۳).

۳. **آیت الله خویی** رحمته الله

«معجزه چیزی است که مدعی منصب الهی می‌آورد؛ به طوری که خرق عادت (خرق نوامیس طبیعت) باشد و دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند تا شاهد صدق ادعای آن منصب الهی باشد».

ایشان چند شرط را برای صدق ادعا مشخص می‌سازد.
 الف- امکان صادق بودن ادعا باشد (مجال عقلی نباشد، مثلاً ادعای خدایی نکند).
 ب- آنچه می‌گویند، طبق آن انجام دهد.
 ج- عمل او از مقوله سحر و علوم دقیقه (غریبه) نباشد.
 د- تحدی (مبارزه‌طلبی) کند (البیان، ص ۱۰۳).

۴. علامه طباطبائی رحمته الله علیه

«معجزه عبارت است از امری خارج عادت که دلالت کند ماوراء طبیعت در طبیعت و امور مادی تصرف کرده است. و این به آن معنا نیست که معجزه مبطل امر عقلی و ضروری است» (طباطبائی، همان، ج ۱، ص ۷۲).

ایشان در جای دیگر می‌نویسد:

«معجزه» یا آیه معجزه (برحسب اصل تسمیه) چنان که از لفظش پیداست، امر خارق‌العاده‌ای است که برای اثبات حق و مقارن با تحدی (دعوت به مقابله) تحقق پیدا می‌کند... . معجزه هر چه بوده باشد و به هر شکل و صورتی اتفاق بیفتد، بالأخره امری است خارق‌العاده، و بیرون از نظام علل و معلولات و اسباب و مسبباتی که عادتاً ما با آنها انس گرفته‌ایم و آنها را می‌شناسیم (طباطبائی رحمته الله علیه، اعجاز قرآن، ص ۱۱۵ و ۱۱۶).

۵. ایچی (از متکلمان اهل سنت)

«معجزه بر حسب اصطلاح در نزد ما عبارت است از آنچه به وسیله آن قصد شود که راست‌گویی مدعی نبوت را ظاهر کند».

وی هفت شرط، به این ترتیب، برای معجزه قرار می‌دهد. کار خدا باشد، خارق عادت باشد، کسی نتواند با آن معارضه کند، به دست مدعی نبوت انجام شود، موافق ادعای او باشد، معجزه او را تکذیب نکند (بر خلاف ادعای او سخن نراند)، معجزه قبل از ادعای نبوت نباشد (ایچی، شرح مواقف، ص ۵۴۷).

۶. آیت الله مصباح یزدی

«معجزه عبارت است از امر خارق‌العاده‌ای که با اراده خدای متعال از شخص مدعی نبوت ظاهر شود و نشانه صدق ادعای وی باشد» (مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۲۶۳).

۷. برخی از نویسندگان

«دلیلی که برای صدق پیامبر در ادعایش آورده می‌شود، معجزه نام دارد و آن عبارت است از تغییری در وجود - کوچک یا بزرگ - که قوانین طبیعی را که از طریق حس و تجربه به دست می‌آید، به مبارزه می‌طلبد (سید محمدباقر حکیم، علوم القرآن، ص ۱۲۷. از شهید صدر علیه السلام نقل کرده است).

بررسی

بررسی همه تعاریف و نقد آن‌ها از حوصله این نوشتار خارج است، اما می‌توان گفت که برخی از تعاریف ناقص و برخی قابل نقض‌اند (جامع و مانع نیستند) در این جا به پاره‌ای از اشکال‌های این تعاریف‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. یکی از شرایط علامه حلّی در کشف المراد این بود که: «مدعی نبوت دیگری در زمان او نباشد. تا معلوم شود که معجزه از او صادر شده است». در حالی که برخی پیامبران هم‌زمان بوده‌اند، مثل حضرت ابراهیم و لوط، پس ممکن است که هر دو معجزه داشته باشند.

۲. در تعریف علامه طباطبائی علیه السلام از معجزه، قیده‌های دیگری هم بود، مثل این که «معجزه مغلوب واقع نمی‌شود - دیگران از آوردن مثل آن عاجزند و...».

۳. ایجی گفته بود: «معجزه کار خدا باشد».

باید توجه کرد که این عین ادعایی است که معجزه می‌خواهد آن را اثبات کند که لازمه‌اش صدق نبوت است، پس خود این مطلب نمی‌تواند شرط معجزه باشد. از طرف دیگر گفته بود که معجزه راست‌گویی نبوت را ظاهر می‌کند؛ در حالی که معجزه منحصر به اثبات ادعای نبوت نیست؛ بلکه هر منصب الهی (مثل امامت) را نیز اثبات می‌کند.

نتیجه

معجزه (آیه، بینه، برهان) عبارت از چیزی (کار - سخن - شیء) است که این ویژگی‌ها و عناصر را داشته باشد.

۱. خارق عادت است؛ یعنی قوانین عادی طبیعت را نقض می‌کند. یادآوری این نکته ضروری است که معجزه به معنی انجام محال عقلی نیست؛ بلکه ارتکاب محال عادی است. هم‌چنین معجزه به معنی شکستن قانون علیت نیست؛ چراکه تحت قانون علیت عام است و فقط علت آن امری غیر مادی است.

۲. از مدعی منصب الهی و پس از ادعای او، واقع شود. به این ترتیب اگر چیز خارق عادت، قبل از ادعای نبوت واقع شده باشد، نمی‌تواند دلیل ادعای نبوت باشد و نیز اگر بدون ادعای منصبی الهی روی دهد، کرامت خوانده می‌شود و معجزه اصطلاحی نیست.
۳. همراه با تحدی و مبارزه‌طلبی باشد؛ یعنی دیگران را دعوت کند که مثل آن را بیاورند.
۴. مغلوب نشود و دیگران از آوردن مثل آن ناتوان باشند؛ یعنی مثل سحر، اعمال مرتاضان و... نباشد که تحت تأثیر اراده قوی تر نقض می‌شود یا از بین می‌رود.
۵. برای اثبات اموری باشد که غیر ممکن نیستند؛ پس معجزه نمی‌تواند برای اثبات محال عقلی (مثل ادعای خدایی) یا محال نقلی (مثل ادعای نبوت بعد پیامبر اسلام ﷺ) باشد.
۶. از امور شرّ نباشد که بخواهد موجب ضرر به دیگران شود؛ چون با هدف معجزه (هدایت) سازگار نیست.
۷. گواه صدق مدعی باشد، یعنی آن چه که ادعا شده، همان واقع شود. برای مثال اگر ادعا کرده است که، کور را شفا می‌دهد، کر شفا پیدا نکند و نیز معجزه، آورنده‌اش را تکذیب نکند؛ مثلاً به سخن در نیاید و نگوید که این مدعی دروغگو است. به عبارت دیگر معجزه دارای سه جهت است.
- اول) جهت معجزه‌گر: باید مدعی منصب الهی، تحدی کننده و... باشد و هدف او هم اثبات امر محالی نباشد.
- دوم) جهت معجزه: باید خارق عادت و گواه صدق ادعا باشد و از امور شرّ نباشد.
- سوم) جهت مردمی که برای آن‌ها معجزه صورت می‌گیرد: باید از آوردن مثل آن ناتوان باشند.

قلمرو معجزه

الف: تناسب معجزه با زمان

پیامبران الهی وقتی به سوی ملتی مبعوث می‌شدند شرایط زمانی، مکانی و سطح علمی مردم را در نظر می‌گرفتند و مطالب را درخور فهم آنان بیان

می‌کردند؛ حتی معجزه انبیاء متناسب با علوم پیشرفته زمان خودشان بود تا فرزندگان مردم زودتر و بهتر معجزه‌ها را درک کنند و ایمان آورند؛ یعنی هر پیامبری به خارق‌عادتی، از نوع پیشرفته‌ترین علوم زمان خویش، مجهز بود تا ارتباط او با فراطبیعت روشن‌تر گردد و دانشمندان عصر در برابر آن خضوع و به حقانیت آن اعتراف کنند. از امام رضا علیه السلام پرسیدند: چرا هر پیامبری نوعی از معجزه‌ها را داشت؟ فرمود:

«در عصر موسی سحر غالب بود و موسی علیه السلام عملی انجام داد که همه ساحران در برابر آن عاجز ماندند. در زمان مسیح و محیط دعوت او، پزشکان مهارت فوق العاده‌ای در معالجه بیماران داشتند، عیسی با درمان بیماران غیر قابل علاج، بدون استفاده از وسایل مادی، حقانیت خود را به ثبوت رساند.

در عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله غالب بر اهل زمان ادبیات (خطبه‌ها، کلام و شعر) بود و پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف خدا مواظب و حکمت‌هایی آورد که سخنان آنان را باطل کرد و حجت بر آنها تمام شد» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵-۴؛ مجلسی رحمته الله علیه، همان، ج ۵، ص ۱۹ و ج ۱۷، ص ۲۱۰؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱۸).

معنای این حدیث این نیست که قرآن کریم فقط از جهت فصاحت و بلاغت معجزه است؛ بلکه از آنجا که معجزه‌ای جاویدان و برای همه زمان و مکان‌ها و مردم تا قیامت است، ابعاد اعجاز آن متنوع است و برای هر مردمی جنبه‌ای از اعجاز آن درخشش دارد.

ب - اقسام معجزه

معجزه‌ها از جهات گوناگون قابل تقسیم اند. که ما به آنها اشاره می‌کنیم.

۱. معجزه اقتراحی و غیر اقتراحی: معجزه‌ای که با درخواست مردم انجام بگیرد، اقتراحی نامیده می‌شود و معجزه‌ای که بدون درخواست انجام بگیرد، غیر اقتراحی نامیده می‌شود، مثل نزول قرآن.
۲. معجزه حسّی و عقلی: معجزه حسّی با حواس ظاهری درک می‌شود، مثل عصای موسی علیه السلام که مردم اعجاز آن را دیدند؛ اما معجزه عقلی پس از تعقل و تفکر روشن می‌شود، مثل قرآن کریم.

۳. معجزه موقت و دائمی: معجزه موقت مخصوص زمان و مکان خاصی است و بعد از آن از بین می‌رود؛ ولی برای نسل‌های آینده حکایت می‌شود و اگر این حکایت یقینی باشد، برای آیندگان هم حجت می‌شود، مثل: ید بیضای موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ، ناقه صالح و معجزات عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ مانند زنده کردن مرده و خبر دادن از مواد غذایی داخل منزل دیگران (آل عمران / ۴۹).

معجزه باقیه، دائمی یا جاویدان در همه زمان‌ها و مکان‌ها ادامه دارد و برای مردم عصرهای بعد نیز حجت و اعجاز آن اثبات‌پذیر است، مثل قرآن کریم (برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: سیوطی، الاتقان، ج ۳، ص ۳ به بعد؛ میرمحمدی، تاریخ و علوم قرآن، ص ۱۸۷-۱۸۵).

نکته: ادیانی که موقت بودند، مثل یهودیت و مسیحیت، معجزاتشان نیز موقت بود؛ اما دین اسلام چون همیشگی است، معجزه آن نیز دائمی است.

ج: قلمرو اعجاز قرآن

آیاتی که تحدی (مبارزه طلبی) قرآن در آن‌ها مطرح شده، چند گونه است. گاهی مردم را در مورد کل قرآن یا ده سوره به مبارزه می‌طلبد و گاهی می‌فرماید اگر می‌توانید یک سوره مثل آن بیاورید. به این آیات توجه کنید:

﴿قُلْ لئن اجتمعت الإنسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ (الاسراء / ۸۸)؛ «بگو اگر تمام انسان و جن جمع شوند تا مثل این قرآن را بیاورند نخواهند توانست و لو آنکه برخی آنها به کمک دیگران بشتابند».

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَاذْعُوا مِنِّي اسْتَطَعْتُمْ مِن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (هود / ۱۳)؛ «آیا می‌گویند که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ افترا می‌بندد (و کلام خود را کلام خدا می‌خواند)، پس ده سوره مانند آن بسازید و بیاورید و از هر کس، غیر از خدا، می‌خواهید کمک بگیرید؛ اگر راست می‌گویید».

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِثْلِهِ وَاذْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره / ۲۳)؛ «و اگر در مورد آنچه به بنده خود (محمد) نازل کردیم شکی دارید پس سوره‌ای از جنس آن بیاورید و گواهان خود را، غیر از خدا بخوانید، اگر راست‌گویانید». سوره یونس آیه ۳۸ نیز مضمونی شبیه آیه ۲۳

سوره بقره دارد. «فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ»، با این تفاوت که «من» در سوره بقره هست؛ اما سوره یونس «مِثْلَهُ» بدون «من» آمده است (در مورد این نکته بعداً توضیح خواهیم داد). «أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ فَلْيَاثُورُوا بِحَدِيثِ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (طور/۳۴-۳۳)؛ «یا (آیا) می‌گویند او قرآن را از خود بافته است بلکه ایمان نمی‌آورند. اگر راست می‌گویند پس کلامی مثل آن (قرآن) را بیاورند».

هرچند ظاهر «مِثْلَهُ» این است که کل قرآن مراد است، ولی کلمه «حدیث» به معنای کلام که شامل کمتر از یک سوره هم می‌شود؛ لذا برخی احتمال داده‌اند مقدار معجزه بودن قرآن، یک سوره یا تعدادی از آیات است که به اندازه یک سوره باشد (ر.ک. به: سیوطی، همان، ص ۲۰).

تذکر: نکته جالب در آیات فوق این است که آن جایی که سخن از آوردن مثل کل قرآن یا ده سوره است، از یاری افراد به هم‌دیگر است؛ اما در جایی که سخن از یک سوره و حدیث باشد، مسأله شاهدان - نه یاوران - را مطرح می‌کند. علت این تعبیرها شاید این باشد که در صورت اول این کار برای یک نفر مشکل است یا این که اشاره به وجود اعجاز قرآن و مراتب آن است.

دایره تحدی قرآن: مبارزه طلبی قرآن سه نوع شمول دارد.

۱. شمول افرادی؛ قرآن می‌فرماید:

﴿لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ﴾ (اسراء/

۸۸)؛ یعنی اگر همه افراد انسان‌ها و حتی جن‌ها جمع شوند، نمی‌توانند مثل قرآن را بیاورند و به اصطلاح عام افرادی است؛ به گونه‌ای که شامل همه افراد موجود انسان‌ها و حتی افرادی که در آینده می‌آیند، می‌شود.

۲. شمول زمانی؛ یعنی این دعوت و تحدی قرآن از زمان صدر اسلام شروع شده است و همیشه ادامه دارد، لذا می‌فرماید: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَكِنْ تَفْعَلُوا» (بقره/ ۲۴)؛ «اگر در گذشته نتوانستید مثل قرآن را بیاورید. و هرگز نخواهید توانست».

۳. شمول احوالی؛ «در حالی که نمی‌توانید مثل قرآن را بیاورید»؛ یعنی اگر عرب یا عجم، ادیب (متخصص ادبیات عرب) یا متخصص در هر زمینه دیگر باشید، نمی‌توانید مثل قرآن را بیاورید؛ البته این مطلب از اطلاق آیه استفاده می‌شود (ر.ک. به: معرفت، التمهید فی علوم قرآن، ج ۴، ص ۲۲).

از این شمول، عموم و اطلاق آیه می‌توان استفاده کرد که جهت و رمز اعجاز قرآن باید چیزی دیگر باشد که شامل همه زمان‌ها و همه احوال باشد. این در حالی است که برخی مثل شاطبی می‌گویند اعجاز قرآن مخصوص زمان صدر اسلام است و همین که ادیبان آن دوره نتوانستند مثل قرآن را بیاورند، دلیل معجزه بودن قرآن است و اعصار بعدی تنها به همین مطلب احتجاج می‌شود (الاعجاز البیانی، ص ۶۸-۶۵ به نقل از: معرفت، التمهید، ج ۴، ص ۲۴).

مرجع ضمیر «من مثله»

در سوره بقره آیه ۱۲ می‌خوانیم: ﴿فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ﴾ در مورد مرجع ضمیر غایب «مثله» می‌توان چند احتمال را مطرح کرد.

۱. مرجع ضمیر قرآن (مانزلنا) باشد؛ یعنی «پس سوره‌ای از جنس (از مثل) قرآن بیاورید».

از ظاهر آیه همین معنا استفاده می‌شود و مشهور در زبان‌ها هم همین است. علامه طباطبائی رحمته الله در المیزان (ج ۱، ص ۵۸) نیز این احتمال را ذکر می‌کند.

۲. مرجع ضمیر خدا باشد؛ یعنی «اگر می‌توانید سوره‌ای از مثل خدا بیاورید». این مطلب در کلام الزملکانی (م: ۶۵۱ ق) به عنوان یک احتمال نقل شده که ضعیف است؛ چرا که سیاق این آیه با آیه ﴿فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ﴾ (هود/ ۱۳)؛ «بگو پس ده سوره مانند آن (قرآن) بیاورید»، یکی است؛ در حالی که ضمیر در این آیه به خدا بر نمی‌گردد (معرفت، التمهید، ج ۴، ص ۷۷).

۳. مرجع ضمیر به عبد (پیامبر صلی الله علیه و آله) بر می‌گردد؛ یعنی «پس سوره‌ای از مثل پیامبر صلی الله علیه و آله (که امی است) بیاورید»؛ یعنی صدور یک سوره مثل سوره‌های قرآن از فردی درس نخوانده مثل پیامبر صلی الله علیه و آله ممکن نیست. این احتمال را علامه طباطبائی در المیزان (ج ۱، ص ۵۸) مطرح می‌کند.

تذکر: شاید این مطلب به مراتب اعجاز نیز اشاره باشد؛ یعنی آوردن یک سوره با توجه به این که همه جهات اعجاز را در بر ندارد، از فردی امی معجزه است و از افراد امی بر نمی‌آید؛ همان گونه که آوردن ده سوره (با توجه به محتوای آن سورها و جهات عدیده اعجاز آنها) از دست افراد کثیر با تخصص‌های گوناگون هم ساخته نیست؛ یعنی هر آیه‌ای خطاب به شخص یا

اشخاص خاص (امی، جن و انس) است و مرتبه‌ای از اعجاز را بیان می‌کند. شاهد این مطلب همان چیزی است که قبلاً بیان کردیم که تحدی قرآن در مورد ده سوره و کل قرآن همراه با اشاره به یاوران انس و جن است؛ اما در مورد تحدی به یک سوره، سخنی از آن‌ها به میان نمی‌آید؛ بلکه داوران و شاهدانی را برای قضاوت بین دو سوره که از فرد امی صادر می‌شود، فرا می‌خواند تا روشن شود هیچ فرد امی نمی‌تواند مثل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد و سوره‌ای معجزه‌آسا آورد. از این مطلب جواب «الزملکانی» هم روشن می‌شود که سیاق دو آیه یکسان نیست؛ چرا که در سوره هود سخن از ده مورد - و نه یک سوره - است و نیز در سوره هود مرجعی مثل «عبد» وجود ندارد و نیز کلمه «من» در آنجا نیست؛ پس هرچند ظاهر آیه معنای اول را نشان می‌دهد؛ اما معنای سوم دقیق‌تر به نظر می‌رسد.

۴. علامه طباطبایی رحمته الله در المیزان (ج ۱، ص ۵۸) احتمال دیگری را نیز مطرح می‌کند که طبق آن ضمیر به خود سوره (مثلاً بقره) بر گردد، سپس آن احتمال را تضعیف می‌کند.

د - کرانه‌های اعجاز قرآن

در این مورد نظریه‌های متفاوتی از زمان‌های قدیم مطرح بوده است. این نظریه‌ها را می‌توان در یازده بخش خلاصه کرد. ما آن‌ها را ذکر و به مهم‌ترین نکات هر دیدگاه اشاره می‌کنیم؛ با این یادآوری که اگر یک نفر در مورد چند دیدگاه نظر مثبت دارد، نام او را در همه موارد ذکر می‌کنیم.

اول) فصاحت و بلاغت: یعنی قرآن یک معجزه ادبی است؛ به طوری که فصیح بودن آن در حد اعلائی فصاحت است و بلیغ و رسا بودن آن نیز کامل است؛ به طوری که هیچ شعر، خطبه و کلام عربی - قبل و بعد اسلام - به پایه آن نمی‌رسد [۲].

دوم) سبک و نظم خاص قرآن: هر چند قرآن از حروف و کلمات معمولی زبان عرب تشکیل شده است؛ اما نظم خاص و تألیف منحصر به فرد آن در ترکیب‌های کلامی‌اش معجزه است؛ یعنی سبک خاص آن نه شعر و نه نظم است؛ بلکه کلامی ویژه و تقلیدناپذیر است؛ زیرا خداوند از همه حروف، کلمات و ترکیبات آگاهی دارد و بهترین آن‌ها را انتخاب کرده است؛ ولی ما نه علم کامل الهی را داریم و نه قدرت او را؛ لذا نمی‌توانیم مثل او سخنی بگوییم [۳].

سوم) بروز شیرینی و جذبه خاص یا موسیقی خاص قرآن با روحانیت قرآن: تأثیر شگرف قرآن در قلوب مردم از همان اوایل بعثت واضح بود؛ به طوری که مشرکان عرب، مردم را از گوش دادن به آن منع می‌کردند تا جذب کلام الهی نشوند و شیرینی آن را نچشند. از این مطلب، امروزه گاهی با عنوان «موسیقی قرآن» یاد می‌شود و برخی از متأخران مصر و ایران به آن تمایل دارند و می‌گویند: این جنبه از قرآن معجزه است و دیگران از آوردن کلامی که چنین تأثیری داشته باشد، عاجزند [۴].

چهارم) بروز معارف عالی الهی قرآن از یک فرد امّی: وقتی معارف قرآن در زمینه توحید و صفات خدا با دیگر کتاب‌های آسمانی و سخنان فلاسفه و حکما مقایسه می‌شود، متوجه می‌شویم که قرآن چیز دیگری است؛ به گونه‌ای که عقل‌ها را متحیر می‌نماید و دیگران از آوردن معارفی مثل آن عاجزند. این در حالی است که همه این معارف توسط یک فرد امّی (بی‌سواد) بیان شده است. گوینده این سخن آیت الله خوئی رحمته الله علیه است (خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، المقدمه، ص ۹۱ - ۴۳؛ معرفت، التمهید، ج ۴، ص ۱۳۵).

پنجم) قوانین محکم قرآن: نظام قانون‌گذاری قرآن چنان متانت و استواری دارد که هیچ کس نمی‌تواند مثل آن را بیاورد. انسان‌ها هر قانونی که می‌گذارند، اشکال‌ها و سستی آن پس از چندی آشکار می‌شود و خود ناچار به تغییر آن می‌شوند. برای مثال قرآن به نظام عدل و قسط، برادری و علم دعوت می‌کند و در جایی که به آخرت می‌پردازد، دنیا را هم فراموش نمی‌کند. گوینده این سخن نیز آیت الله خوئی رحمته الله علیه است (همو).

ششم) برهان‌های عالی قرآن: قرآن کریم وقتی از توحید، معاد و نبوت یاد می‌کند، چنان استوار و بر اساس قوانین صحیح فکر (منطق) سخن می‌گوید که گویی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ده‌ها سال منطق و فلسفه خوانده است؛ در حالی که او فردی امّی بود و این اعجاز قرآن را می‌رساند؛ چرا که هیچ فرد امّی نمی‌تواند این گونه سخن بگوید. شیخ محمد جواد بلاغی صاحب تفسیر آلاء الرحمن از قائلان این سخن است (التمهید، ج ۴، ص ۱۳۳).

هفتم) خبرهای غیبی از گذشته و آینده: قرآن در موارد متعددی از اقوام گذشته سخن می‌گوید که اثری از آن‌ها نمانده بود؛ مثل قوم لوط و عاد و ثمود و... . اکتشافات بعدی باستان‌شناسان هم این مسائل را اثبات می‌کند. قرآن در مواردی هم از مسائل آینده سخن می‌راند، مثل پیش‌بینی شکست ایران از روم که به وقوع پیوست. این اخبار غیبی است که بشر عادی از آوردن مثل آن ناتوان است. [۵]

هشتم) اسرار خلقت در قرآن (اعجاز علمی): یکی از ابعاد اعجاز قرآن که در چند قرن اخیر ظاهر شد و بسیاری از متخصصان علوم را به شگفتی وا داشت و برخی صاحب نظران علوم قرآن بدان تصریح کردند، گزاره‌های قرآن در مورد مسایل علمی (مثل: زوجیت گیاهان، حرکت خورشید و زمین) است؛ در حالی که انسان‌ها تا قرن‌ها بعد از نزول قرآن، بدان مطالب دسترسی نداشتند یا به نظریه بطلمیوسی معتقد بودند که بر خلاف آن‌هاست (خویی، البیان فی تفسیرالقرآن، ص ۹۱ - ۴۳).

تذکر: شاید بتوانیم دیدگاه هفتم و هشتم را زیر عنوان «اعجاز علمی قرآن» جمع کنیم. این مورد را در ادامه مقاله بررسی خواهیم کرد.

نهم) استقامت بیان (نبود اختلاف در قرآن): قرآن طی بیست و سه سال در شرایط مختلف، مانند جنگ، صلح، سفر و... بر پیامبر ﷺ نازل شد؛ با این حال اختلاف و تناقضی در بیانات آن وجود ندارد؛ در حالی که اگر یک نویسنده طی چند سال مشغول نوشتن باشد؛ گاهی تناقض‌هایی در ابتدا، انتها یا اثنای مطالب او به چشم می‌خورد. این مطلب اعجاز قرآن را می‌رساند و نشان می‌دهد که هیچ انسانی نمی‌تواند مثل قرآن سخن گوید. از جمله کسانی که این نظریه را پذیرفته‌اند آیت الله خویی رحمته الله علیه است (البیان، ص ۹۱-۴۳).

شیخ محمد جواد بلاغی نیز قبل از ایشان این دیدگاه را ارائه کرده است (معرفت، التمهید، ج ۴، ص ۱۳۳).

دهم) ایجاد انقلاب اجتماعی: یکی از صاحب‌نظران می‌گویند اعجاز قرآن کریم این است که تغییری عظیم و جدی و انقلابی بزرگ در حیات انسان به وجود آورد که با قوانین عادی و تجربی بشر در اجتماع و سنن تاریخی سازگار نیست. وی برای نمونه وضع اجتماع اعراب جزیره‌العرب را مثال می‌زند که قبل از

اسلام با تمدن و مدنیت آشنا نبودند؛ ولی کتابی مثل قرآن از آنجا برخاست. هر کتاب آیینی فرهنگ و علم جامعه خویش است؛ اما قرآن کریم بر خلاف قوانین طبیعی و اجتماعی به وجود آمد و توانست جامعه عرب را صاحب فرهنگ و تمدن جدیدی کند (حکیم، علوم قرآن، ص ۱۳۰-۱۲۹). ایشان برخی مقالات شهید صدر را به صورت کامل در متن کتاب آورده است و این مطلب از آن مقالات است.

یازدهم) صرفه: برخی معتقدند که اعجاز قرآن از آن جهت است که خداوند اجازه نمی‌دهد کسی مثل قرآن را بیاورد، یعنی قدرت را از مخالفان سلب می‌کند؛ البته این نظریه به سه صورت تصویر شده است (معرفت، همان، ج ۴، ص ۱۴۱).
اول - خداوند انگیزه افراد مخالف قرآن را سلب می‌کند.

دوم - خداوند علوم لازم آن‌ها را سلب می‌کند.

سوم - با این‌که قصد مخالفت دارند و قدرت بر آوردن مثل قرآن دارند؛ اما خدا جلوی آن‌ها را به اجبار می‌گیرد. جواب‌های متعددی به این دیدگاه داده شده است (ر.ک. به: معرفت، همان، ص ۱۵۲) و اساتید و صاحب‌نظران علوم قرآن معمولاً این دیدگاه را نمی‌پذیرند [۶].

دوازدهم) همه این جهات (مگر صرفه) از اعجاز قرآن است: این دیدگاه طرف‌دارانی بین قرآن‌پژوهان و مفسران داشته است، از جمله علامه طباطبایی رحمته الله علیه که معتقد است:

تمام ابعاد قرآن معجزه است؛ ولی این ابعاد با اختلاف مخاطبان متفاوت است. برای مثال قرآن معجزه ادبی برای ادیبان، معجزه سیاسی برای اهل سیاست، معجزه در حکمت برای حکیمان و... است. بنابر این نظریه اعجاز قرآن شامل همه افراد، همه زمان‌ها و همه حالت‌ها می‌شود (طباطبایی، همان، ج ۱، ص ۶۷-۵۷؛ معرفت، همان، ج ۴، ص ۲۳ و ص ۱۳۴).

شیخ محمد جواد بلاغی نیز بر آن است که: برای اعراب و بقیه مردم، ابعاد دیگر اعجاز (مثل اسرار غیبی و...) وجود دارد (معرفت، همان، ج ۴، ص ۱۸۰).

آیت الله معرفت معتقد است که اگرچه ظاهر قرآن این است که (با توجه به تبخّر مردم عرب صدر اسلام در علوم ادبی) اعجاز قرآن از جنبه فصاحت و بلاغت است؛ اما در دوره‌های بعد که خطاب عمومی شد و همه بشریت را فرا

گرفت، تحدی قرآن هم با همه ابعاد بروز می‌کند و منحصر در فصاحت و بلاغت نمی‌ماند (همو، ص ۲۳). آیت الله خوبی رحمته الله نیز همه این ابعاد را نشانه اعجاز قرآن می‌داند؛ اما آن را منحصر به مخاطبان عرب یا عجم و یا اهل فن و علم خاص نمی‌کند (البیان، ص ۹۱ - ۴۳).

نتیجه

بنابراین چه گذشت، اعجاز قرآن ابعاد متعددی (مثل: فصاحت، بلاغت، محتوا، اخبار غیبی و...) دارد و جهت تحدی و مبارزه طلبی قرآن همه وجوه اعجاز قرآن (غیر از صرفه که باطل است) می‌باشد؛ البته جهات اعجاز قرآن نسبت به مخاطبان مختلف، متفاوت است و قرآن هر کسی را بر اساس تخصص و استعدادش به مبارزه می‌طلبد؛ هر چند اعجاز قرآن و تحدی آن شامل همه زمان‌ها می‌گردد و همین که در طول چهارده قرن کسی نتوانسته است مثل قرآن را بیاورد، اعجاز قرآن و حقانیت و صداقت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ثابت می‌شود.

هـ - تعریف اعجاز علمی قرآن

مراد آیاتی است که بدین صورت باشد.

۱. رازگویی علمی باشد؛ یعنی مطلبی علمی را که کسی قبل از نزول آیه از آن اطلاع نداشت، بیان کند؛ به طوری که مطلب علمی مدت‌ها بعد از نزول آیه کشف شود و این مسئله علمی به گونه‌ای باشد که با وسایل عادی که بشر عصر نزول در اختیار داشت قابل اکتساب نباشد.

۲. اخبار غیبی در مورد وقوع حوادث طبیعی و جریانات تاریخی باشد که کسی هنگام نزول آیه از آن اطلاع نداشت و پس از خبردادن قرآن، طبق همان خبر واقع شود. این خبر باید چنان باشد که به وسیله وسایل عادی قابل پیش‌بینی نباشد، پس اگر قرآن از مطلبی خبر دهد که قبلاً در کتاب‌های آسمانی به آن اشاره شده بود یا در مراکز علمی یونان، ایران و... در لابه‌لای کتاب‌های علمی و آرای دانشمندان آمده بود یا طبیعتاً یا به صورت غریزی قابل فهم بود، معجزه علمی شمرده نخواهد شد (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۸۵).

۳. نظام‌های علمی قابل استنباط از قرآن مثل نظام سیاسی، اقتصادی، تربیتی و... که مثل آن عاجز باشند.

۴. نقش قرآن در تحول اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی جامعه صدر اسلام و هر جامعه‌ای که قرآن در آن اجرا می‌گردد، به شرط آن که دیگران به صورت عادی از ایجاد چنین تحوّل‌ی عاجز باشند؛ بنابراین اعجاز علمی قرآن را به دو صورت درون متنی و یک صورت برون متنی و در مجموع به سه گونه می‌توان تصور کرد:

اول) وجود گزاره‌های علمی در قرآن که شامل اخبار غیبی نسبت به امور طبیعی یا تاریخی باشد و بعد از مدتی کشف و اثبات شود، مثل: خبر قرآن در مورد پیروزی رومیان بر ایرانیان (روم/۲)، یا خبر قرآن در مورد زوجیت عام موجودات «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ»، (ذاریات/ ۴۹).

این گونه اعجاز علمی بیش‌تر به صورت تفسیر ترتیبی و استخدام علوم در فهم آیات قرآن صورت می‌گیرد.

دوم) استنباط نظام علمی از قرآن در یک رشته خاص که به صورت تفسیر موضوعی و استنباطی انجام می‌گیرد، برای مثال نظام و مکتب اقتصادی قرآن (شامل: مبانی اقتصاد، اهداف، قلمرو، اصول، آموزه‌ها و...) و نیز نظام تربیتی قرآن و نظام سیاسی قرآن به صورتی که دانشمندان مکاتب مادی از آوردن مثل آن نظام عاجز باشند؛ یعنی نظامی که قرآن ارائه می‌کند، کار آمدتر، جامع‌تر و منسجم‌تر است؛ به صورتی که تمام ابعاد جسمی و روحی بشر را در بر می‌گیرد و نتایج بهتری در سعادت بشر دارد.

سوم) اعجاز علمی برون متنی، یعنی نقش تاریخی قرآن در تحول مردم از زاویه یک علم خاص مورد نظر باشد، مثل نقش قرآن در تحول جامعه عرب جاهلی (با خصوصیات جهل و خرافه پرستی، شرک و دخترکشی، انحراف‌های اخلاقی، جنگ‌طلبی، تعصب و...) به جامعه متمدن، در کمتر از دو قرن، یعنی نقش قرآن در تحوّل تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... در عینیت جامعه؛ به صورتی که دیگران از آوردن مثل آن تحوّل در آن مدت کوتاه عاجز باشند.

این‌گونه از اعجاز علمی قرآن با مطالعه فرهنگ قرآن و فرهنگ عرب جاهلی قبل از اسلام و مطالعه تاریخ مسلمانان و تحلیل تحوّل‌های فرهنگی و علمی آن‌ها به دست می‌آید. نکته جالب این است که اعجاز علمی قرآن در هر یک از سه گونه فوق، قابل طرح و بررسی است و در کتاب‌هایی که در تاریخچه بحث معرفی کردیم، به اعجاز علمی اشاره شده است.

ذکر این نکته ضروری است که لازم نیست در زمینه هر علمی، هر سه گونه وجود داشته باشند؛ هرچند که گونه اول (گزاره‌های علمی) بیش‌تر در علوم طبیعی و دو گونه دیگر، بیش‌تر در علوم انسانی ادعا شده است و کاربرد دارد. توضیح این‌که چهار دسته آیات علمی در قرآن کریم هست که تنها یک قسم آن اعجاز علمی است.

اول - اعجازهای علمی قرآن: منظور رازگویی‌های علمی قرآن است که در آیات به صورت روشن آمده است و در زمان نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشت، بلکه مدت‌ها بعد از نزول آیه، مطلب علمی آن توسط دانشمندان کشف شد (ن.ک. به: مدخل «اعجاز علمی قرآن» از همین دانشنامه؛ رضایی اصفهانی، همان، ص ۸۵)؛ مثل اشاره عملی قرآن به نیروی جاذبه، (رعد/۲ و لقمان/۱۰)؛ حرکت‌های خورشید، (یس / ۳۸؛ رعد / ۲)؛ لقاح ابرها، (حجر/۱۲)، زوجیت عام موجودات، (رعد / ۲؛ یس / ۳۶؛ شعراء / ۷) و مراحل خلقت انسان، (مومنون/۱۴-۱۲ و حج/۵؛ غافر / ۶۷؛ قیامت/۳۷-۳۹) که بشر قرن‌ها بعد از نزول قرآن، به این مطالب علمی دست یافت. از این رو برخی مفسران قرآن این مطالب را اعجازهای علمی قرآن دانسته‌اند. ادعاهای دیگری نیز در مورد اعجازهای علمی قرآن شده است که مورد نقد قرار گرفته است (ن.ک. به: مدخل «اعجاز علمی قرآن» از همین دانشنامه؛ رضایی اصفهانی، همان).

دوم - اشاره‌های علمی شگفت‌آمیز قرآن: برخی آیات قرآن به مطالب علمی و قوانین جهان اشاره می‌کند؛ به گونه‌ای که شگفتی هر خواننده‌ای را بر می‌انگیزد؛ اما چون این مطالب به صورت دیدگاه‌های غیرمشهور در مراکز علمی، توسط برخی دانشمندان مطرح شده بود، اعجاز علمی قرآن شمرده نمی‌شود؛ بلکه نوعی مخالفت با دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشهور در علوم آن عصر بشمار می‌آید

که شگفت آور است و بر عظمت علمی قرآن دلالت دارد. از جمله، اشاره‌های قرآن به حرکت زمین (ن.ک. به: نمل/۸۹ و...؛ آیت الله مکارم، نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸ - ۵۶۹، این مطلب را از اعجازهای علمی قرآن می‌شمارد) و پیدایش حیات از آب، (ن.ک. به: نور/ ۴۵؛ انبیاء/۳۰؛ نویسنده التمهید (ج ۶، ص ۳۶) این مطلب را از اعجازهای علمی قرآن به شمار می‌آورد) و ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه، (ن.ک. به: بقره/ ۲۲۲؛ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۳؛ طب در قرآن، ص ۵۱ - ۵۰) ممنوعیت شرابخواری (ن.ک. به: مائده/ ۹۱-۹۰؛ بقره/ ۲۱۹) و...

سوم - اشاره‌های علمی اندیشه‌ساز قرآن: آیاتی که اشاره به آسمان، زمین، انسان، حیوانات و طبیعت می‌کند و انسان را به تفکر در آن‌ها فرا می‌خواند و گاهی آن‌ها را نشانه خدا و معاد می‌شمرد؛ ولی مطلب شگفت‌آمیز یا اعجاز‌آمیزی از ظاهر آیات استفاده نمی‌شود، این‌گونه آیات توجه انسان را به نمودهای آفرینش زیبای الهی جلب می‌کند و زمینه رشد علمی بشر را، به ویژه در علوم تجربی، فراهم می‌سازد، مانند: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآيَاتِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (غاشیه/ ۱۷)؛ «و آیا به شتر نظر نمی‌کنند که چگونه آفریده شده است؟!».

و نیز در بین آیات ۵-۱۴ از سوره نحل به منافع حیوانات، نزول باران، رویش گیاهان رنگارنگ، دریاها و کشتی‌رانی در آن‌ها و فواید غذایی و زیور آلاتی که از آن‌ها به دست می‌آید، به عنوان نشانه‌هایی برای اندیشمندان، اشاره می‌کند که با آن‌ها به آفریننده جهان پی می‌برند و سپاسگزاری می‌کنند (در میان آیات ۵ - ۱۷ سوره نحل برخی نکات علمی شگفت‌آور نیز هست که این‌گونه مطالب به قسم بعدی ملحق می‌شود).

چهارم - نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن: (جهت‌دادن به مبانی علوم انسانی و موضوع‌سازی برای علوم) برخی اشارات علمی در قرآن هست که هنوز به صورت پیش‌گویی‌های علمی باقی مانده‌اند و توسط علوم تجربی اثبات یا نفی نشده‌اند؛ بلکه دورنمای مثبتی برای آن‌ها وجود دارد که می‌توان این دیدگاه‌های قرآنی را در هر علم به صورت حقایق قرآنی و نظریه‌های علمی قرآن ارائه کرد، مانند گسترش جهان در کیهان‌شناسی («وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ»؛ ذاریات/ ۴۷) موجودات زنده در آسمان‌ها («وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ» (شوری/ ۲۹) و نمونه‌های دیگر. هم‌چنین در بسیاری از آیات قرآن از مبانی، اصول و قوانین

سیاست، اقتصاد، مدیریت و... یاد شده است که می‌توان در نظام سازی و جهت‌دهی به علوم انسانی از آنها استفاده کرد. برای مثال از جریان طالوت «وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»؛ (بقره / ۲۴۷) و داستان یوسف «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف / ۵۵) و موارد مشابه آن می‌توان شرایط مدیر را از قرآن استنباط کرد، مثلاً نظریه اقتصاد بدون ربا را می‌توان براساس آیات نفی ربا مطرح کرد.

مبانی و معیارهای اعجاز علمی قرآن

تفسیر آیات علمی قرآن گاهی به اثبات اعجاز علمی قرآن منتهی می‌شود، بنابراین اعجاز علمی زیرمجموعه تفسیر علمی قرآن است و مبانی و ضوابط تفسیر علمی بر آن حاکم می‌شود و چون اعجاز علمی قرآن زیرمجموعه اعجاز قرآن است، لازم است ضوابط و معیارهای اعجاز را نیز دارا باشد؛ بنابراین در مورد اعجاز علمی قرآن باید موارد زیر موجود باشد یا رعایت شود.

الف) مبانی تفسیر علمی شامل مبانی عام تفسیر، مثل امکان و جواز تفسیر و عدم تحریف قرآن و مبانی خاص تفسیر علمی، مثل موارد زیر:

- ۱- قرآن کتاب هدایت است و نمی‌خواهد همه جزئیات علوم بشری را بیان کند و نباید انتظار استخراج همه جزئیات علوم را از ظواهر قرآن داشت.
- ۲- قرآن و علم رابطه‌ای سازگارانه دارند؛ حتی بسیاری از یافته‌های اطمینان‌آور علمی مطابق آیات اند (ر.ک. به: رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج اول).
- ۳- آیات علمی در قرآن هست که اشاره‌های اعجاز آمیز علمی و خبرهای غیبی در مورد علوم را در بردارند.

۴- تحدی و مبارزه‌جویی قرآن شامل جنبه اعجاز علمی نیز می‌شود.

ب) معیارهای تفسیر علمی شامل معیارهای عام تفسیر قرآن؛ مثل این‌که از روش‌های معتبر و قرائن معتبر تفسیر بهره گرفته شود و به تفسیر به رأی کشیده نشود و مفسر دارای شرایط آن را انجام دهد. (ر.ک. به: رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن؛ رجبی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن). با ضوابط خاص تفسیر علمی؛ نیز آشنا باشد، مثلاً اگر مفسر وارد حوزه تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن می‌شود، با دو حوزه تفسیر و علم مربوطه آشنا باشد و نیز از مطالب اطمینان‌آور

یا قطعی علمی استفاده کند و از تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن و استخراج تمام جزئیات علوم از ظواهر بپرهیزد و در پی استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن باشد (ر.ک. به: رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن).

ج) ضوابط اعجاز قرآن که شامل ضوابط عام اعجاز و ضوابط خاص اعجاز علمی می‌شود؛ از ضوابط عام اعجاز، این است که مطلبی خارق عادت (مثل خبر از غیب) باشد که دیگران از آوردن مثل آن ناتوان باشند و مدعی نبوت آن را آورده باشد (در این مورد در مباحث مفهوم‌شناسی اعجاز مطالبی بیان شد)؛ همان طور که قرآن را پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای اثبات نبوت خویش ارائه کرد. نیز ضوابط خاص اعجاز علمی، مثل این‌که:

- ۱- مطلب علمی با ظاهر یا نص آیه سازگار باشد و گرنه تحمیل بر قرآن و تفسیر به رأی می‌شود.
- ۲- مطلب علمی قابل اطمینان یا قطعی باشد؛ نه نظریه و تئوری علمی، و گرنه صرف احتمال تفسیری است و نمی‌توان آن را به صورت قطعی به قرآن نسبت داد و چنین مطلبی اعجاز علمی نخواهد بود.
- ۳- کسی قبل از قرآن آن مطلب علمی را نگفته باشد و گرنه شگفتی علمی قرآن می‌شود؛ نه اعجاز علمی.
- ۴- مردم در صدر اسلام نتوانند آن مطلب را به صورت عادی و با استفاده از ابزارهای علمی آن عصر، کشف کنند.
- ۵- صحت و درستی آن مطلب علمی بعد از قرآن اثبات شود (در این مورد در مباحث مفهوم‌شناسی اعجاز علمی مطالبی بیان شد).

چالش‌های مفهوم اعجاز علمی

شبهات و اشکال‌های متعددی در مورد اعجاز علمی قرآن مطرح شده و آن را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است. در این جا مهم‌ترین این موارد را بررسی می‌کنیم. بعضی مخالفین اعجاز علمی، می‌گویند که تفسیر علمی، اعجاز قرآن را اثبات نمی‌کند زیرا:

۱. مطابقت بعضی مطالب علمی قرآن، با اکتشافات جدید ثابت می‌کند که قرآن را انسان عادی بیان نکرده است، بلکه از سوی خدای دانای به حقایق نازل

شده است؛ ولی این مطلب نمی‌رساند که قرآن معجزه است؛ چون تورات و انجیل اصلی هم، از طرف خدا نازل شده، ولی معجزه نبود؛ بلکه اعجاز قرآن که تحدی قرآن برای آن است، در مورد اعجاز بیانی و ادبی قرآن است که کسی نمی‌توانست و نمی‌تواند مثل آن را بیاورد.

۲. آیات و مطالب علمی قرآن در همه سوره‌ها نیست؛ در حالی که تحدی قرآن چنین است. «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»، (یونس / ۳۸)؛ «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ» (بقره / ۲۳)؛ «و اگر از آنچه بر بنده‌ی خود (پیامبر) فرو فرستادیم، در تردید هستید پس اگر راست می‌گویید سوره‌ای همانندش بیاورید». پس اعجاز قرآن با هر سوره‌ای اثبات می‌شود؛ در حالی که طبق نظریه اعجاز علمی، فقط سوره‌هایی که آیات علمی دارند، اعجاز را ثابت می‌کنند.

۳. این نوع اعجاز را فقط اهل علم و کسانی که تخصص در علوم تجربی دارند، می‌فهمند؛ در حالی که قرآن معجزه‌ای برای همه افراد است (احمد عمر، التفسیر العلمی فی المیزان، ص ۱۳۸-۱۳۰).

۴. اعجاز علمی قرآن موجب می‌شود که قرآن تابع علم شود، یعنی باید منتظر بود تا علوم بشری پیشرفت کند و اعجاز قرآن اثبات شود.

۵. اگر قرآن را بر اساس علوم بشری متغیّر پایه‌گذاری کنیم، هرگاه نظریه‌های علمی تغییر کند، اعجاز علمی هم باطل می‌شود.

۶. مطالب علمی کشف شده قبل از کشف، خارق عادت و معجزه نیست و بعد از کشف هم یک مطلب علمی عادی است؛ نه خارق عادت به عبارت دیگر مطلب علمی قبل از کشف روشن نبود تا قابل صدق و کذب باشد و بعد از کشف هم خرق عادت نیست؛ بلکه از طرق عادی می‌توان بدان رسید و قابل تکرار است.

۷. معجزه کاری خارق عادت است که برای اثبات منصب الهی می‌آورند؛ در حالی که در صدر اسلام ادعای اعجاز علمی نبود تا اثبات نبوت کند و در قرآن هم به آن تحدی نشده است.

۸. آیا دانشمندانی که مطالب علمی را قبل از کشف حدس می‌زنند و مطابق واقع حادث می‌شود اعجاز علمی دارند؟

۹. در علوم طبیعی اخبار غیبی از طبیعت معنا دارد و بعد هم دانشمندان مطابقت خبر غیبی قرآن با واقع را کشف می‌کنند؛ اما در علوم انسانی این‌گونه نیست؛ چون نظریه‌های علمی رقیب در برخی علوم وجود دارد (مثل اقتصاد سوسیالیستی و کاپیتالیستی و نیز نظریه‌های هم عرض در علوم تربیتی و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی)، پس واقعیت در این موارد در اختیار ما نیست تا مطابق مطالب علمی قرآن با آن روشن شود.

۱۰. تفاوت معجزه علمی با خبر غیبی مشخص نیست؟

۱۱. در اعجاز علمی ناتوانی مخاطبان احراز نمی‌شود؛ چون دانشمندانی که مطالب علمی را کشف می‌کنند، رقیب قرآن می‌شوند.

بررسی

به اشکال‌ها و شبهه‌های فوق پاسخ‌هایی داده شده است یا می‌توان جواب‌هایی به آن‌ها داد، از جمله:

۱. معجزه علمی، خارق عادت است که از کسی که ادعای نبوت دارد برای اثبات صدق ادعای او و با اذن خدا صادر می‌شود و دیگران از آوردن مثل آن ناتوانند. کسانی که می‌گویند مطالب علمی قرآن، بر اعجاز آن دلالت دارد، منظورشان این است که آورده شدن مطالب علمی در چهارده قرن قبل که دانشمندان، بعد از قرن‌ها آن‌ها را از طریق علوم تجربی کشف کردند، نشان می‌دهد که قرآن از یک انسان معمولی صادر نشده است، بلکه از سوی خدا آمده است (تا اینجا با اشکال کننده توافق داشتیم)، پس انسان عادی نمی‌تواند مانند این مطالب علمی را بیاورد؛ نه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌توانستند و نه الان کسی می‌تواند، مطالب علمی قرن‌ها بعد را بیان کند. پس قرآن معجزه بوده و الان هم نسبت به مطالب علمی که یک قرن بعد، کشف می‌شود، معجزه است (در عین حال که اعجاز ادبی آن هم پا بر جاست) این که ما از قرآن در هر زمان یک مطلب جدید به دست می‌آوریم، خود اعجاز این کلام را می‌رساند و برای اثبات اعجاز قرآن (یا از سوی خدا بودن آن) به دلیلی غیر خودش احتیاج نداریم. تورات و انجیل از سوی خدا بود، ولی اثبات صدق موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام به

وسیله تورات و انجیل نبود (پس نفس تورات و انجیل معجزه نبود؛ به خلاف قرآن)؛ بلکه اثبات تورات و انجیل (که کلام خدا باشد)، به معجزه و دلیل صدق (مثل عصای موسی) احتیاج داشت؛ همان‌طور که این معجزه اصل نبوت آنان را نیز اثبات می‌کرد. به عبارت دیگر در مورد قرآن، معجزه و کتاب پیامبر صلی الله علیه و آله (کلام خدا) یکی شده است؛ اما در مورد تورات و انجیل، این دو از هم جدا می‌شوند؛ یعنی مطالب علمی قرآن دو چیز را اثبات می‌کند: اول معجزه بودن قرآن و دوم نزول آن از سوی خدا.

۲. اعجاز علمی قرآن، در بعضی سوره‌ها برای ما آشکار شده و در بعضی سوره‌ها آشکار نشده است و روشن نشدن آن‌ها دلیل بر نبود اعجاز علمی آن سوره‌ها نیست. از سوی دیگر کسی که ادعا می‌کند قرآن اعجاز علمی دارد، نمی‌گوید که تک‌تک آیات و سوره‌ها اعجاز علمی دارد تا اشکال شود که تحدی قرآن در مورد تک‌تک سوره‌هاست و اعجاز قرآن جهات مختلف (ادبی، علمی، نبود اختلاف، قوانین عالی و...) دارد و لازم نیست هر سوره از همه جهات معجزه باشد؛ بلکه از یک جهت هم که معجزه باشد تحدی قرآن صحیح است.

۳. اشکال سوم به همه جهات اعجاز قرآن وارد است، چون اعجاز ادبی قرآن را نیز همه انسان‌ها به خصوص غیر عرب‌هایی که اهل علم نیستند، نمی‌توانند تشخیص دهند؛ ولی این دلیل بی‌اعتباری اعجاز ادبی یا اعجاز علمی قرآن نمی‌شود (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۸۴-۸۳). از سوی دیگر تحدی هر کس در حدّ معلومات اوست؛ اگرچه اطلاع او از اعجاز قرآن و ناتوانی خویش برای هم‌آوردی با قرآن، با واسطه باشد؛ یعنی از متخصص پرسش کند. علاوه بر این که تحدی قرآن برای هر گروه مخاطب، نسبت به علم و تخصص آنان است.

۴. در مورد تبعیت توجه به دو نکته لازم است:

اول - در اعجاز علمی قرآن، علم تابع قرآن است؛ چرا که قرآن پیش‌گام است و مطلبی علمی را قرن‌ها قبل فرموده است (و به صورت نظریه علمی قرآن باقی مانده)، سپس علم آن را کشف می‌کند.

دوم - اعجاز علمی قرآن (حتی ابعاد دیگر اعجاز، مثل اعجاز ادبی، تشریحی و معارف بلند قرآن) مستمر است و مصادیق جدیدی از آن در هر عصر کشف می‌شود؛ یعنی مفهوم کلی اعجاز علمی و ادبی و... با یک مصداق ثابت می‌شود و در هر عصری که مصداق جدیدی از آن کشف می‌شود، استمرار می‌یابد و نو می‌شود، پس اعجاز علمی قرآن یک گام از علم جلوتر است.

۵. اگر معیارهای اعجاز علمی رعایت نشود، اشکال ابطال نظریه‌های علمی و در پی آن، ابطال اعجاز علمی وارد می‌شود؛ اما اگر معیارها رعایت شود، اشکال برطرف می‌شود. از جمله معیارها آن است که اعجاز علمی قرآن بر اساس یافته‌های اطمینان‌آور علمی پایه‌گذاری شود؛ چون یافته‌های علوم بشری دو دسته است؛ اکثر آن‌ها نظریه‌ها و تئوری‌های علمی‌اند که قطعی نیستند (چه نظریه اثبات‌پذیری را بپذیریم یا نظریه ابطال‌پذیری)؛ ولی برخی از آن‌ها قطعی یا اطمینان‌آورند (ر.ک. به: رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۱۸۶ و ۳۸۳) و شخصی که می‌خواهد اعجاز علمی قرآن را ادعا کند، باید دقت کند که نظریه‌های علمی ناپایدار را به صورت قطعی به قرآن نسبت ندهد و بر آن تحمیل نکند؛ زیرا تفسیر به رأی می‌شود که حرام است؛ اما اگر یافته علمی قطعی یا اطمینان‌آور بود و با نص یا ظاهر قرآن تطابق داشت، با فرض داشتن شرایط دیگر اعجاز علمی، می‌توان تطابق آن مطلب علمی کشف شده را با آیه قرآن، اعجاز علمی دانست. لازم به یادآوری است که احتمال تغییر در مطالب اطمینان‌آور علوم در مورد همه دانش‌ها هست؛ همان‌گونه که در تاریخ منطق، فلسفه، فقه و... ملاحظه می‌شود و اصولاً رشد علوم در سایه همین تغییر و تکامل است و این تغییرهای جزئی علوم، مانع استفاده از نتایج آن‌ها نمی‌شود؛ نه در تفسیر و علوم قرآن و نه در علوم دیگر.

۶. اعجاز علمی قرآن زیرمجموعه اخبار غیبی است. در این‌گونه معجزه‌ها، خارق عادت این است که مدعی معجزه خبری را قبل از دیگران و بدون استفاده از وسایل عادی بیان می‌کند که دیگران از آن اطلاع ندارند و با وسایل عادی همان عصر هم نمی‌توانند از آن آگاه شوند و همین ناتوانی مخاطب برای اثبات اعجاز کافی است و برای نسل‌های بعدی، به نوعی خبر می‌دهند که معجزه واقع شده است. برای مثال در مورد حضرت عیسی علیه السلام در قرآن نقل شد:

﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَانْفُخْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِي الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران / ۴۹)؛ «و (او را به عنوان) فرستاده‌ای به سوی بنی‌اسرائیل (= فرزندان یعقوب) قرار داده که او به آنان می‌گوید) که من از طرف پروردگارتان نشانه‌ای [معجزه‌وار]، برایتان آورده‌ام؛ من از گل برای شما [چیزی] همانند شکل پرنده می‌سازم و در آن می‌دمم، پس به رخصت خدا، پرنده‌ای می‌گردد؛ و نابینای مادر زاد و (مبتلایان به) پیس را بهبود می‌بخشم و مردگان را به رخصت خدا زنده می‌کنم؛ و از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم؛ که مسلماً در این [معجزات]، نشانه‌ای برای شماست، اگر مؤمن باشید».

در این آیه حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام از چیزهایی که مردم در خانه ذخیره کرده یا می‌خورند، خبر غیبی می‌دهد؛ در حالی که اطلاع از داخل خانه‌ها با وسایل عادی آن عصر ممکن نبود، ولی این معجزه یک بار واقع شد و الآن خبر آن به ما می‌رسد. معجزه علمی نیز همین‌ونه است.

قرآن می‌فرماید: ﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (ذاریات / ۴۹)؛ «و از هر چیز جفتی آفریدیم، باشد که شما متذکر شوید». وقتی زوجیت عام موجودها در قرن بیستم میلادی کشف شد، اعجاز علمی اثبات شد؛ اما بعد از اثبات، خبر این معجزه به نسل‌های بعدی می‌رسد و این ماهیت اعجاز غیبی و اخبار غیبی است که اعجاز آن در تقدم زمانی در خبر دادن بدون استفاده از وسایل عادی است که دیگران از آوردن مثل آن در همان عصر ناتوان‌اند؛ البته اعجاز قرآن با معجزه پیامبران پیشین از این جهت متفاوت است که اعجاز قرآن جاویدان است. در مورد اعجاز علمی نیز استمرار آن، به کشف مصادیق جدیدش در طول اعصار است، از این‌رو اعجاز علمی تمام شدنی نیست.

۷- قرآن معجزه‌ای جاویدان برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست و ابعاد اعجاز آن متعدد است و در هر عصری یک یا چند بُعد از آن جلوه‌گری بیشتری دارد، پس لازم نیست که همه ابعاد اعجاز قرآن در عصر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حتی در عصر ما بروز یابد. از سوی دیگر همان گونه که گذشت تحدی و مبارزه‌طلبی قرآن، مطلق است و شامل همه ابعاد اعجاز قرآن می‌گردد؛ اما نسبت به هر مخاطب، در مورد

علم او تحدی می‌کند. به اهل ادیان صدر اسلام می‌فرماید: اگر می‌توانید کتابی با این فصاحت و بلاغت بیاورید و به دانشمندان عصر ما می‌فرماید: اگر می‌توانید کتابی مثل قرآن بیاورید که مطالب علمی را قبل از کشف بیان کرده باشد، پس تحدی در کل قرآن (اعم از لفظ و محتوا) کافی است و همین شامل اعجاز علمی هم می‌شود؛ لیکن بر اساس مخاطب و پیشرفت علمی بشر در هر عصر، بُعد جدیدی از اعجاز قرآن روشن می‌شود؛ همان‌گونه که اعجازهای محتوایی دیگر، مثل اعجاز تشریحی و... بعدها پیدا شدند، پس لازم نیست پیامبر یا قرآن در صدر اسلام نامی از اعجاز علمی برده باشند.

۸- دانشمندانی که حدس می‌زنند؛

اولاً. پیش بینی می‌کنند، ولی خبر قطعی از آینده نمی‌دهند؛ در حالی که قرآن خبر قطعی می‌دهد.

ثانیاً. معلوم نیست حدس دانشمندان مطابق واقع باشد؛ در حالی که اخبار غیبی قرآن مطابق واقع است. این مطلب بارها به اثبات رسیده است. علاوه بر آن که قرآن کلام صادق الهی است.

ثالثاً. حدس‌های دانشمندان شرط معجزه را ندارد؛ چون همراه با ادعای نبوت و مانند آن نیست و تحدی ندارد.

۹- همان‌گونه که گذشت اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی به انطباق اخبار غیبی قرآن با یافته‌های اطمینان‌آور علوم طبیعی است؛ اما در حوزه علوم انسانی اعجاز علمی قرآن:

اولاً. اعجاز به نظام‌های اقتصادی، تربیتی، سیاسی و... است که استنباط‌پذیر از قرآن است و مبانی، اهداف و روش‌های آنها بر نظام‌های دیگر برتری دارد؛ چون نگاه جامع به همه ابعاد وجودی انسان دارد و کارآمدتر است.

ثانیاً. اعجاز به تحول تاریخی و علمی قرآن است که در جامعه جاهلیت عرب به وجود آورد. تحوّل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی که بر اساس آن زندگی آنان را دگرگون کرد و ارتقاء بخشید. آموزه‌های قرآن در هر جامعه دیگری هم که اجرا شود، همین تحول را به وجود می‌آورد؛ در حالی که دیگر کتاب‌ها نمی‌توانند چنین تحول علمی را ایجاد کنند.

۱۰- معجزه علمی، زیرمجموعه اخبار غیبی قرآن است؛ این که قرآن همراه با تحدی توسط مدعی منصب الهی آورده شده است؛ اما هر گونه خبر غیبی، معجزه نیست، چون ممکن است خبر غیبی از باب کرامت باشد و نیز هرگونه خبر غیبی، خبر علمی نیست؛ بنابراین رابطه خبر غیبی و اعجاز علمی، «عموم خصوص من وجه» است.

۱۱- در اعجاز علمی قرآن، ناتوانی مخاطبان در آوردن مثل آن محقق شده است؛ چرا که از صدر اسلام که اخبار غیبی علمی در قرآن آمده، تا هنگامی که مطلب علمی کشف می‌شود، دانشمندان علوم از آوردن مثل آن خبر غیبی عاجز بودند و بعد از کشف مطالب علمی هم، خبر اعجاز به صورت متواتر به ما می‌رسد و به عبارت دیگر، ناتوانی مخاطبان اعجاز در ظرف زمانی انجام آن، کافی است؛ همان طور که در مورد اخبار غیبی حضرت عیسی علیه السلام، در مورد غذاهای ذخیره شده و خورده شده در خانه‌ها، تحقق یافت (آل عمران/ ۴۹) و بعد از آن، خبر اعجاز عیسی علیه السلام معتبر است. پس نقش دانشمندان کشف تطابق کتاب تشریح (قرآن) با کتاب تکوین (طبیعت) است و کشف علمی دانشمندان معجزه نیست تا رقیب قرآن باشد؛ چون بدون تحدی و ادعای منصب الهی است و اصولاً خبر غیبی نیست.

تذکر پایانی

در مورد اعجاز علمی آیات در طول عصرها مطالب جدید علمی از قرآن برداشت می‌شود و پرونده اعجاز علمی هر آیه علمی با یک مورد بسته نمی‌شود، و در هر عصری تحدی به آوردن مثل آن، اعجاز علمی می‌شود؛ یعنی کسی بتواند خبر غیبی در مورد مسئله علمی قبل از اثبات بیاورد که دیگران (در آن شرایط ادعا کننده) از آوردن مثل آن عاجز باشند؛ بنابراین آوردن اخبار علمی با وسایل عادی در صدر اسلام معجزه بود؛ نه با وسایل جدید در عصر ما. همان گونه که قرآن در مورد اعجاز اخبار غیبی حضرت عیسی علیه السلام در مورد غذاهای داخل منازل مردم بیان کرد، (آل عمران/ ۴۹) که با وسایل آن زمان مردم قادر به آوردن مثل آن نبودند، ولی امروز می‌توان با دوربین‌ها و اشعه‌های خاص از این مسائل با خبر شد. در این مورد در زمان ما، خبر متواتر سخن حضرت عیسی علیه السلام و واکنش مخاطبان، معجزه است.

پی نوشت‌ها

[۱] سایت‌های زیر در مورد اعجاز علمی قرآن مطالبی را منتشر می‌کنند.

www.55a.net موسوعة الاعجاز العلمی فی القرآن و السنه

www.kaheel7.com عبد الدائم الکحیل

www.nooran.org نوران رابطہ العالم الاسلامیہ /

www.maknoon.com مکنون الاعجاز العلمی فی القرآن

www.Miracweb.net شبکه الاعجاز فی القرآن و السنه

www.Zelnaggar.com الاعجاز العلمی فی القرآن و السنه

www.afkaar.com افکار علیمه

www.aksharemazhabi.blogfa.com اسلام، قرآن، اعجاز

www.askguran.ir کانون گفتمان قرآن

www.miracleofguran.net پژوهشکده اعجاز قرآن

[۲] این نظریه شاید مشهورترین دیدگاه در باب اعجاز قرآن است و از بین

کسانی که آن را پذیرفته‌اند، می‌توان این افراد را نام برد:

۱- عبد القادر الجرجانی (م: ۴۷۱ ق) (دلایل الاعجاز و الشافیة به نقل از

التمهید، ج ۴، ص ۴۱).

۲- السکاکی (م: ۵۶۷ ق) (مفتاح العلوم، ص ۱۹۹ - ۱۹۶)

۳- فخر الدین الرازی (م: ۶۰۶ ق) (نهایة الایحار فی درایة الایحار به نقل از:

التمهید، ج ۴، ص ۵۰).

۴- قاضی عبدالجبار (م: ۴۱۵ ق) (شرح الاصول الخمسه، للقاضی عبد الجبار،

ص ۵۹۴ - ۵۸۶)

۵- ابن میثم البحرانی (۶۳۶ - ۶۹۹ ق) او این دیدگاه را به اکثر معتزله نسبت

می‌دهد (التمهید، ج ۴، ص ۸۰).

۶- شیخ محمد عبده (همان، ص ۱۲۹).

۷- شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (۱۳۷۳ ق)، (همان، ص ۱۳۲).

۸- استاد آیت الله سید ابوالفضل میرمحمدی (معاصر)، (تاریخ و علوم قرآن،

ص ۲۰۰).

- [۳] از جمله قائلان به این نظریه می‌توان از این افراد نام برد:
- ۱- ابن سلیمان الخطابی البستی (م: ۳۸۸ ق) (ثلاث رسائل فی الاعجاز القرآن، الرسالة الاولى الخطائی، ص ۲۱ - ۹).
 - ۲- ابن عطیه (م: ۵۴۲ ق)، (الزركشى، البرهان، ج ۲، ص ۹۷).
 - ۳- الراغب الاصفهانی (م: ۵۰۲ ق)، (مقدمه تفسیر، ص ۱۰۹ - ۱۰۴).
 - ۴- الشيخ الطوسی رحمته الله (م: ۴۶۰ ق)، (الاقتصاد فی اصول الاعتقاد، ص ۱۶۶ - ۷۴).
 - ۵ - القطب راوندی (۵۷۳ ق)، (التمهید، ج ۴، ص ۶۴).
 - ۶- الزملکانی (م ۶۵۱ ق)، (همان، ۷۵).
 - ۷- شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (همان، ص ۱۳۲).
 - ۸- شیخ محمد جواد بلاغی (همان، ص ۱۳۳).
 - ۹- استاد سید ابوالفضل میر محمدی نیز همین نظر را تقویت می‌کند (تاریخ و علوم قرآن، ص ۲۰۰).

[۴] از جمله قائلان به این سخن:

- ۱- ابن سلیمان البستی (م: ۳۸۸ ق)، (التمهید، ج ۴، ص ۳۸).
- ۲- سید قطب (همان، ص ۱۰۴).
- ۳- استاد مصطفی محمود (همان، ص ۱۰۶).
- ۴ - دکتر محمد عبدالله دراز (همان، ص ۱۱۲).
- ۵ - محمد صادق الرافعی. (همان، ص ۱۱۸).
- ۶- استاد محمد فرید وجدی. (همان، ص ۱۲۷).

[۵] از قائلان این دیدگاه:

- ۱- القطب الراوندی (م: ۵۷۳ ق)، (التمهید، ج ۴، ص ۶۴).
- ۲- سید عبد الله شبر (م: ۱۲۴۲ ق)، (همان، ص ۱۰۰).
- ۳- شیخ آل کاشف الغطاء (م: ۱۳۷۳ ق)، (همان، ص ۱۳۲).
- ۴- آیت الله خوئی رحمته الله (البیان، ص ۹۱ - ۴۳).

[۶] برخی از قائلان به این سخن:

- ۱- ابن اسحاق النظام (م: ۲۳۱ ق)، (التمهید، ج ۴، ص ۱۴۱).
- ۲- الشریف المرتضی (سید مرتضی) (م: ۴۳۶ ق)، (همان، ص ۱۸۰).

منابع

۱. ابن سلیمان الخطابی البستی، تحقیق محمد خلف الله احمد رود - محمد زغلول سلام، ثلاث رسائل فی الاعجاز القرآن، الرسالة الاولى الفطانی، دارالمعارف، مصر - القاهرة، ۱۹۷۶م، رقم الطبعة ۳.
۲. ابن فارس بن زکریا، أبی الحسین أحمد، معجم مقاییس اللغة، المحقق، عبد السلام محمد هارون، اتحاد الكتاب العرب، بی جا، ۱۴۲۳ق.
۳. آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن، زندگی نامه شیخ طوسی، فرهنگستان ادب و هنر ایران، تهران، ۱۳۶۰.
۴. البحرانی، سیدهاشم الحسینی، البرهان فی تفسیر القرآن، دارالکتب العلمیة، قم، ۱۳۳۴ش.
۵. بنت لشاطی، عایشه، اعجاز البیان، ترجمه حسین صابری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۶.
۶. حکیم، محمد باقر، علوم قرآن، المجمع العلمی الاسلامی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۷. خوئی، آیت الله سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، المطبعة العلمیة، قم، ۱۳۹۴ ق.
۸. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، المكتبة الرضویة، تهران، ۱۳۳۲ ش.
۹. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۳، چ اول.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی، قم، ۱۳۸۶ هـ ش، چ دوم.
۱۱. همو، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۷۶ ش، ۵۱۷ ص.
۱۲. همو، منطق تفسیر قرآن، روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، نشر جامعة المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیة، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. السکاکی (م ۵۶۷ ق)، مفتاح العلوم، دارالکتب العلمیة، بیروت - لبنان، ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷م، الطبعة الثانية.
۱۴. السیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، دارالفکر بیروت - لبنان، ۱۴۱۶-۱۹۹۶م، الطبعة الأولى.
۱۵. شرتونی، سعید، اقرب الموارد، فی فصیح العربیة والشوارد، دارالاسوه، الطباعة والنشر، تهران، ۱۴۲۷ق.
۱۶. شرح الاصول الخمسة، للقاضي عبد الجبار، مكتبة وهبة، القاهرة ۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۶ م.
۱۷. شعرانی، ابوالحسن، نثر طوبی یا دائرة المعارف قرآن مجید، الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۶.
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین، اعجاز قرآن، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، قم، ۱۳۶۲ ش.

۱۹. همو، تفسیرالمیزان فی تفسیرالقرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۳ ق.
۲۰. طوسی، خواجه نصیرالدین و علامه حلّی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. طوسی، شیخ ابوجعفر محمدبن الحسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، (م: ۴۶۰ق) مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. طیب، سید عبدالحسین (م ۱۴۱۱ق)، تفسیر اطیبالبیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۶۶ ش، چ سوم.
۲۳. عضدالدین ایجی، عبدالرحمن بن احمد، المواقف، الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. علامه مجلسی، محمد تقی، بحارالانوار، المکتبة الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۵ هـ. ق.
۲۵. کاشانی، ملافتح الله، تفسیر منهج الصادقین، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۴۶ ش.
۲۶. کلینی، کافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵، چهارم.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقائد، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳ ش، چ چهاردهم.
۲۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۱ ش، الطبعة الاولى.
۲۹. معرفت، آیت الله محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (با همکاری جمعی از نویسندگان)، تفسیرنمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۳۱. میرمحمدی زرنندی، سیدابوالفضل، تاریخ و علوم قرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ ش، چ چهارم.